

## پیشخوان

■ **شاهد توحیدی**

اثری که هم اینک به حضور تان معرفی می‌شود، خاطرات حسین احمدی روحانی از اعضای پیشین سازمان مجاهدین خلق و همچنین از تشکیل دهندگان بعدی سازمان پیکار است.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی به عنوان ناشر این کتاب، در معرفی نویسنده به خوانندگان در پی‌اچ‌اے آن چنین آورده است: «حسین احمدی‌روحانی در سال ۱۳۲۰ ش در مشهد متولد شد. پس از اخذ دیپلم، برای ادامه تحصیلات به دانشگاه کشاورزی کرج راه یافت. وی از دومین گروهی است که به سازمان مجاهدین پیوست و از کادرهای مرکزیت سازمان شد. کتاب «شناخت» از آثار حسین روحانی است. وی در ماجرای هواپیماربابی سازمان به عراق رفت و مدت‌ها در راستای اهداف سازمان مجاهدین به عراق و بیروت سفر کرد. بعد از تغییر ایدئولوژی سازمان (۱۳۵۴) نیز مبارک‌سیست شد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی با تنی چند از بارماندگان سازمان مجاهدین، سازمان پیکار در راه ازادی طبقه کارگر را بنیان گذاشت. سازمان پیکار که بنای خصمانه‌ای با جمهوری اسلامی گذاشته بود، در تیر ۱۳۶۰ مورد شناسایی نیروهای انقلاب قرار گرفت و ضرب‌های کاری را پذیرفت. در این عملیات بیش از ۱۰۰ قضاة سلاح خودکار و تعدادی از کادرهای سازمان‌دستگیر شدند. حسین روحانی تلاش کرد تا سازمان را بار دیگر سروسامان بدهد، ولی مجدداً در بهمن همان سال، سازمان مورد حمله نیروهای انقلاب قرار گرفت و اعضای باقیمانده از جمله حسین روحانی دستگیر شدند. حسین روحانی در زندان به همکاری پرداخت و اطلاعات ذی‌قیمتی را در اختیار نیروهای انقلاب گذاشت. از جمله تألیفات روحانی، در مرکز اسناد انقلاب اسلامی موجود



است و در بسیاری از کتاب‌هایی که در رابطه با انقلاب اسلامی نوشته شده است، به‌عنوان دست‌نوشته‌های حسین روحانی مورد استناد قرار گرفته است.»

حسین احمدی‌روحانی نیز در صدر مجموعه تحلیل‌های خویش، یادداشتی به شرح ذیل نگاشته است: «با حمد و ثنای پروردگار توانا و درود بی‌پایان بر خاتم انبیا و ائمه طاهرین و سلام بر رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی، امام خمینی(ره) و با درود بر شهدای انقلاب و به‌ویژه شهدای جنگ تحمیلی و رزمندگان چپه حق علیه باطل و مردم رزمنده و قهرمان ایران! نویسنده این سطور که خود یکی از اعضای مؤثر سازمان مجاهدین خلق ایران، بخش منشعب و سازمان پیکار می‌باشد، بنا بر تقاضای برادران مسئول دادستانی مرکز بر آن شد تا تاریخچه‌ای هر چند مختصر از مجموعه فعالیت‌ها، مواضع و عملکردهای گروه‌های فوق‌الذکر به رشته تحریر درآورد. این نوشته هم می‌تواند برای خود اعضا و هم‌اواران این گروه‌ها و هم برای برادران دست‌اندر کار جمهوری اسلامی و هم برای تمامی مردم قهرمان و شهیدپرور ایران از زوایای مختلف مفید واقع شود. در مورد این نوشته ارائه توضیحی به خوانندگان ضروری است و آن اینکه نویسنده در بررسی و تشریح فعالیت، مواضع و عملکردهای هر سه سازمان مورد بحث، اولاً مسائلی را که جنبه اساسی و مهمی داشته‌اند بررسی و از ذکر مسائل فرعی‌تر خودداری کرده است؛ ثانیاً آن دسته از مسائل و موضوعاتی که نویسنده شخصاً از آنها اطلاع کافی و موفق داشته است تجزیه و تحلیل شده؛ ثالثاً در توضیح تمامی مسائل مطروحه در این نوشته، سعی شده است مسائل و موضوعات، حتی‌الامکان از زاویه دیدگاه سازمان مورد نظر بررسی شود، نه براساس دیدگاه کنونی نویسنده و از این رو با دقتی وسواس‌گونه کوشش شده تا به این مسئله، حتی‌الامکان توجه شود، زیرا عدم رعایت این مسئله، نوشته را از ارزش تاریخی و سازمانی آن می‌اندازد و به آن جنبه فردی و شخصی می‌دهد. این نکته‌ای بود که با هدف اصلی‌ای که این نوشته به خاطر آن تهیه شده است، مغایرت داشت. امید دارم این کوشش بتواند نویسنده را در حرکت جدید خود و پیوستگی‌اش به حره امت حزب‌الله و خط امام کمک نموده و توانسته باشد از این طریق، گوشه‌ای هر چند ناچیز از گذشته خود را جبران نماید.»

## عاریخ

کفت و کوم ۸۸۴۹۸۴۳۷



حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی اسلامی

**حجت‌الاسلام والمسلمین محمد تقی رهبر**؛ «در یک کلام دغدغه اصلی مرحوم اسلامی در حوزه فعالیت‌های فرهنگی، توسعه معارف اصیل اسلامی و نشر فرهنگ اهل بیت(ع) بود. همچنین ایشان به مسلمانان سایر کشورها از جمله هند، پاکستان، افغانستان، لبنان و… هم می‌اندیشیدند و معتقد بودند باید برای آنها هم محتواهای اصیل اسلامی را تولید کرد. به همین دلیل، بنیاد بعثت کتب اسلامی ارزشمندی را به ۲۰ زبان ترجمه و منتشر کرد…»

## نظری تاریخی به کارنامه خاندان اسلامی در عرصه تربیت دینی» در آیین ۳ روایت تلاش برای آموزش دینی در اوج تکاپوی ضد فرهنگی طاغوت

و نشر معارف اسلامی توسط بنیاد بعثت در خیابان سمیه که –ایشان مسئولیت آن را به عهده داشت و حمایت‌های مالی‌ای که مجلس می‌توانست از این فعالیت‌ها کند- صحبت کردیم. خود من هم چند بار با بعضی از دوستان و نمایندگان عضو کمیسیون فرهنگی، از آثار فرهنگی بنیاد بعثت بازدید و در آنجا با آقای اسلامی صحبت کردیم. بنیاد بعثت غیر از کتاب‌های ارزشمندی که چاپ می‌کرد، مجموعه ارزشمند و زیبایی از تابلوهای علمی اسلام و هنرهای اسلامی را نیز گردآوری کرده بود که هر بیننده‌ای را جذب می‌کرد.

مرحوم آقای حاج شیخ علی اسلامی، در خانواده‌ای روحانی و فرهنگی رشد کرده بودند و پدر ایشان در زمینه توسعه معارف دینی برای تمامی اقشار و به‌ویژه جوانان، فعالیت گسترده‌ای داشتند. دغدغه اصلی مرحوم حاج شیخ عباسعلی اسلامی، تقویت کادر تربیت نیرو برای گسترش فرهنگ اسلامی بود، که مالا به مبارزه با حکومت طاغوت می‌انجامید، زیرا رژیم پهلوی بیش از هر چیز، دیانت مردم و تربیت جامعه تعلیم‌ات اسلامی و کادرسازی و تربیت مدارس جامعه تعلیمات اسلامی و کادرسازی و تربیت مری برای تدریس معارف اسلامی، کار بسیار بزرگی بود. و واقعاً در آن شرایط سنگین خفقان و حمله به مفاهیم و ارزش‌های دینی، قلب خانواده‌های متدین را شاد کرد. مرحوم حاج شیخ علی اسلامی نیز همه هستی و سرمایه‌های مادی و معنوی خود را صرف حل مشکلات فرهنگی کرد که بخشی از آن حمایت از تولید کتب و مجلات مختلف و مفید بود که برخی از آنها را خود ایشان تألیف کرده بودند. نظارت بر محتوای این تولیدات فرهنگی، کار بزرگی بود که ایشان وجهه همت خود قرار داده بودند و در این زمینه از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کردند. محتوای کتب و نشریاتی که با حمایت و تحت نظر ایشان منتشر می‌شدن، به خوبی اندیشه بلند مرحوم اسلامی را نشان می‌دهند. من خود از نزدیک، شاهد بودم که ایشان برای تحقق رسالتی که بر دوش داشتند، چگونه خود را به آب و آتش می‌زدند و به دلیل کسب



دهه ۶۰ حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی اسلامی کنار پدرش حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ عباسعلی اسلامی در دوران بیماری در یکی از بیمارستان‌های تهران

■ **دغدغه این تبار، گسترش فرهنگ و معارف اصیل اسلامی بود**

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد تقی رهبر علاوه بر نسبت سببی با خاندان اسلامی، در زمره همکاران زنده‌یاد حاج شیخ علی اسلامی در بنیاد بعثت به شمار می‌رود. وی در خلال این همکاری، ریاست مؤسسه نهج‌البلاغه– که برای تبلیغ معارف این صحیفه شریفه و از سوی بنیاد بعثت تأسیس شد- را پذیرفت و تا هم اینک نیز به خدمت در آن اشتغال دارد. وی نقش خاندان اسلامی در توسعه فرهنگ اسلامی و شیعی در تاریخ معاصر ایران را به شرح ذیل تحلیل می‌کند: «پنده از همان زمانی که در حوزه علمیه بودم، کار فرهنگی را شروع کردم و مدتی در اصفهان و تهران در چند دانشگاه تدریس می‌کردم. همکاری بنده با مرحوم آقای اسلامی (رحمه‌الله) از بنیاد بعثت در بیش از ۴۰ سال قبل شروع شد. تاکنون در این بنیاد، در زمینه تألیف و ترجمه کتب مذهبی، زیاد کار شده و در این اواخر هم تصمیم گرفتیم به طور جدی روی نهج‌البلاغه کار کنیم. البته آشنایی بنده با وی نهج‌البلاغه کار کنیم. گسترش فرهنگ و واقع یک جور قوم و خویشی سببی هم داشتم. در یک کلام دغدغه اصلی مرحوم اسلامی در حوزه فعالیت‌های فرهنگی، گسترش فرهنگ و معارف اصیل اسلامی و نشر فرهنگ اهل‌بیت(ع) بود. همچنین ایشان به مسلمانان سایر کشورها از جمله هند، پاکستان، افغانستان، لبنان و… هم می‌اندیشیدند و معتقد بودند باید برای آنها هم محتواهای اصیل اسلامی را تولید کرد. به همین دلیل، بنیاد بعثت کتب اسلامی ارزشمندی را

به ۲۰ زبان ترجمه و منتشر کرد. موضوع اکثر این کتاب‌ها، فرهنگ اهل‌بیت(ع) بود و ایشان روی این موضوع تمرکز خاصی داشتند. مرحوم اسلامی امید و توکل زیادی داشتند. همیشه می‌گفتند: «همین که حرص و جوش می‌خوریم و دلمان می‌خواهد کارها به نحو احسن انجام شوند، دغدغه شریفی است و ارزش دارد. ان‌شاءالله که مقبول امام زمان (عج) هم قرار می‌گیرد.» ایشان با نشاط، امید و عشق فراوان کار می‌کردند و ایمان داشتند اگر در کار اخلاص وجود داشته باشد، اهل بیت(ع) کمک می‌کنند.

در سال ۹۴، در بنیاد بعثت تصمیم گرفته شد مؤسسه نهج‌البلاغه به شکل متمرکز روی وی اثر کنند؛ آن‌ها که پرداخت ندان مهم‌ترین دغدغه مرحوم اسلامی بود- کار کند. البته پیش از آن بزرگانی چون شهید آیت‌الله بهشتی، آیت‌الله مکارم شیرازی و… هم در این زمینه کار کرده بودند، ولی در این مؤسسه تلاش می‌شود و نهج‌البلاغه از داخل قفسه‌های کتاب وارد زندگی مردم شود و فرمایشات امیرالمؤمنین(ع) به صورت الگوی عملی جامعه اسلامی دربیاید. مرحوم آقای امام زین‌العابدین(ع) خواستند این مسئولیت را در این‌ زمین فعالیت‌های گسترده‌ای کردند. و او را در این‌ زمینه فعالیت‌های گسترده‌ای کردند. یعنی بحث نهج‌البلاغه را دنبال می‌کردند. من چون خود علاقه‌مند به گسترش فرهنگ نهج‌البلاغه بودم و هستم و بسیاری از خطبه‌های نهج‌البلاغه را حفظم، گاهی با مرحوم اسلامی در این زمینه بحث می‌کردم. متأسفانه در برخی از کتاب‌هایی که منتشر می‌شوند، اصلاً حرفی از امام و انقلاب و مسائل و معارف اسلامی نیست، بلکه اشخاص می‌خواهند در آنها خودشان را گروه و حزبشان را معرفی و ترویج کنند، ولی مرحوم اسلامی در همه زندگی خود، دغدغه حضور اسلام در عرصه‌های مختلف زندگی را داشت و همه زندگی‌اش را وقف مبارزه با فرهنگ بیگانه و جریانات انحرافی کرد و حقیقتاً به عنوان یک مجاهد انقلابی، لحظه‌ای آموزشی‌ای که رژیم گذشته برای گسترش فرهنگ غربی و ترویج و تبلیغاتی ایجاد کرده بود، تشکیل مدارس جامعه تعلیمات اسلامی و کادرسازی و تربیت مری برای تدریس معارف اسلامی، کار بسیار بزرگی بود. و واقعاً در آن شرایط سنگین خفقان و حمله به مفاهیم و ارزش‌های دینی، قلب خانواده‌های متدین را شاد کرد. مرحوم حاج شیخ علی اسلامی نیز همه هستی و سرمایه‌های مادی و معنوی خود را صرف حل مشکلات فرهنگی کرد که بخشی از آن حمایت از تولید کتب و مجلات مختلف و مفید بود که برخی از آنها را خود ایشان تألیف کرده بودند. نظارت بر محتوای این تولیدات فرهنگی، کار بزرگی بود که ایشان وجهه همت خود قرار داده بودند و در این زمینه از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کردند. محتوای کتب و نشریاتی که با حمایت و تحت نظر ایشان منتشر می‌شدن، به خوبی اندیشه بلند مرحوم اسلامی را نشان می‌دهند. من خود از نزدیک، شاهد بودم که ایشان برای تحقق رسالتی که بر دوش داشتند، چگونه خود را به آب و آتش می‌زدند و به دلیل کسب

در باب خلق مؤمن به آنها اشاره می‌کنند، در خود داشتند. بسیاری خوشفکر، صبور، قورتن و صاحب اندیشه و تفکر عمیق و بالایی بودند. ذره‌ای تکبر و خودبینی، در وجود ایشان راه نداشت. ایشان بی‌دلیل ایشان در کنار حسن خُلقشان از ایشان شخصیتی محبوب و دوست‌داشتنی ساخته بود. به نظر من مرحوم اسلامی یک سرباز بسیار صادق و با اخلاص امام زمان (عج) بود و انسان واقعاً از مصاحبت با ایشان لذت می‌برد و خسته نمی‌شد. بنده بارها در بنیاد بعثت، خدمت ایشان می‌رسیدم و تا جایی که می‌توانستم و از دستم برمی‌آمد، به ایشان کمک می‌کردم. خداوند ان‌شاءالله آن بزرگوار را رحمت کند و آثار و برکات ایشان را گسترش بدهد.»

## روزنامه جوان | شماره ۶۱۲۹

جریانی نیستند! باید جریان تدریس نهج‌البلاغه و کاربردی کردن آن در آموزش نوجوانان و جوانان، به ویژه در فضای مجازی شکل بگیرد تا این آموزش‌های سرنوشت‌ساز، در متن جامعه نهادینه شود. به هر حال مرحوم آقای اسلامی از ۴۰ سال پیش، کار روی نهج‌البلاغه را شروع کرده بودند و در این راه، وقت و مال خود را بی‌درغ صرف می‌کردند. ایشان ابتدا در قید مادیات نبودند و یک زندگی ساده طلبگی داشتند. پدر ایشان با بنیادگذاری جامعه تعلیمات اسلامی، در واقع نوعی انقلاب فرهنگی را به وجود آوردند! در دوران رضاخان و فرزندش محمدرضا، با همت بزرگانی چون ایشان، مدارس دینی خوبی تأسیس شدند که فارغ‌التحصیلان آنها جزو زنده‌ترین مدیران کشور شدند. به عنوان کلام آخر باید عرض کنم برخی مسئولان دستگاه‌های فرهنگی ما در غفلت به سر می‌برند! ما می‌خواهیم به دنیا، نمونه یک حکومت دینی شیعه را نشان دهیم. بنده منکر پیشرفت‌هایی که در زمینه‌های مختلف در این کشور شده‌است، نیستم، اما هنوز به امیرالمؤمنین(ع) خیلی بدهکاریم! همچنین به خون شهدا و کسانی که برای حفظ حرم‌ها و حرم‌ها ایثار کردند. ما به سلیمانی‌ها و حاجی‌ها بدهکاریم. در خاتمه سخن امیدوارم بنیاد بعثت و همکاران آن به فعالیت‌های گذشته، با جدیت و وسعت بیشتری ادامه بدهد و مسئولان هم از این مرکز فرهنگ کارآمد، حمایت‌های لازم را داشته باشند.»

■ **پدر و فرزند در تمامی زندگی خویش دغدغه خدمت داشتند**

آیت‌الله سیدیوسف طباطبایی‌نژاد نماینده ولی‌فقیه و امام جمعه اصفهان از دوران تحصیل در نجف با زنده‌یاد حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی اسلامی آشنا شد و تا پایان حیات آن مرحوم، در جریان تلاش‌های فرهنگی وی در بنیاد بعثت قرار داشت. او در توصیف شخصیت آن دوست قدیمی و پدر ارجمندش چنین آورده است: «در آغاز سخن، بهتر می‌بینم درباره منش و خدمات مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ عباسعلی اسلامی، نکاتی را ذکر کنم. ایشان بسیار خوش‌بین و از منبری‌های زبردست بودند و منبرهای بسیار پر محتوایی داشتند. علاوه بر این، اولین مدارس اسلامی در ایران را این بزرگوار پایه‌گذاری کردند. بسیاری از فارغ‌التحصیلان این مدارس، افراد کارآمد، نمونه و بسیار مفیدی هستند. راه‌اندازی این مدارس در تهران و شهرستان‌ها کار بسیار دشواری بود، در آن شرایط، آموزش از دستش برمی‌افتد، چون اساساً رژیم پهلوی با هر حرکتی که کمکی به ترویج و گسترش معارف اسلامی می‌کرد، مخالف بود و به هر وسیله ممکن مانع تراشی می‌کرد. این مدارس اسلامی در چنین شرایطی عمل می‌کردند. در این مدارس دخترها و پسرها، با معارف و احکام و اصول اسلام آشنا می‌شدند. و دروس اسلامی به آنها آموزش داده می‌شد. دختران دانش‌آموز از کودکی با حجاب و فلسفه آن آشنایی پیدا می‌کردند. به هر حال مرحوم حاج شیخ عباسعلی اسلامی، انسان بسیار سلسوز و خدمتگرای بود و دلش می‌خواست در آن شرایط خراب، هر بزرگوار اموزشی که از دستش برمی‌آید، برای تقویت فرهنگ اسلامی جامعه انجام بدهد و به نظر من، بسیار هم موفق بود. ایشان چند پسر و دختر داشت که بعضی از پسرها از جمله فرزند بزرگوارشان یعنی مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی آقا اسلامی، روحانی شدند. بنده با آقای اش‌بخ علی آقا در نجف اشرف، در مدرسه مرحوم سیدمحمد کاظم یزدی آشنا شدم. حجره ایشان در کنار حجره من بود و زیاد با هم مراوده داشتیم. در قسمتی از درس کفایه هم‌مباحثه بودیم. ایشان بسیار متدین و سلیم‌التفس بود و از صمیم قلب، دلش می‌خواست برای اسلام کاری انجام دهد و در این زمینه، دقیقاً مثل پدرش بود. از همان دوره طلبگی، چنین افکاری را در ذهن داشت و برای خدمت به مردم، برنامه‌ریزی می‌کرد. بعدها هم که به تهران آمد، بنیاد بعثت را بنا نهاد. من چند بار در این بنیاد به ملاقات ایشان رفتم و می‌دیدم که چگونه در زمینه ترویج معارف دینی و انتشار کتب اسلامی به زبان‌های مختلف دنیا اهتمام دارد و زحمت می‌کند. دغدغه همیشگی ایشان این بود که کار مؤثر و مفیدی را انجام دهد. تا آخر عمر هم در زمینه گسترش نهج‌البلاغه و معارف شیعه، زحمات فراوانی را متحمل شد. ایشان به شهرهای مختلف سفر می‌کرد تا افراد و گروه‌های مستعد را به راه‌اندازی مؤسساتی برای انتشار فرهنگ نهج‌البلاغه تشویق کند. در روایات است که حضرت (رضاع) فرمودند رحمت خدا بر کسی باد که امر ما را احیا کند. سؤال شد چگونه می‌توان این کار را انجام داد؟ فرمودند کسانی که علوم ما را یاد می‌گیرند و به دیگران آموزش می‌دهند. به نظر من مرحوم اسلامی، یکی از مصادیق این روایت بود و امیدوارم حضرت (رضاع) شامل حال ایشان شود، چون ایشان هر امکان و توانی را که داشت، چه به صورت مکتوب و چه شفاهی برای مردم بیان می‌کرد. به هر حال، مرحوم اسلامی، انسانی شریف و خوش‌نفس بود. ایشان قبل از انقلاب به علاقه‌مندان امام و پیروان خط ایشان کمک می‌کرد. پس از پیروزی انقلاب هم همواره در خط و مسیر امام و رهبری حرکت می‌کرد و اگر کسی مشکلی داشت، در رفع آن می‌کوشید. امیدوارم خدای متعال ایشان را مشمول دعای حضرت (رضاع) قرار دهد و رحمت و مغفرتش را شامل حال ایشان گرداند.»